

خاطرات یک دلک

شعر نوجوان

شمس رضوی

انتشارات معتبر

۱۳۸۹

سرشناسه	رضوی، شمس، ۱۳۵۷-.
عنوان و نام پدیدآور	خاطرات یک دلک/شمس رضوی.
مشخصات نشر	اهواز: معتبر، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	۸۰ ص.
شابک	۷-۳۰-۵۴۷۰-۶۰۰-۹۷۸: ۱۵۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	شعر فارسی -- قرن ۱۴
رده بندی کنگره	۱۳۸۸ ۲ خ ۸۶۴۵ ض / ۸۰۷۵ PIR۳:
رده بندی دیویی	۱/۶۳۸:
شماره کتابشناسی ملی	۳۱۰۳۹۹۱:



نام کتاب: خاطرات یک دلک

سروده: شمس رضوی

ناشر: انتشارات معتبر (وابسته به مؤسسه فرهنگی هنری آداب)

ناظر چاپ: سید عبدالمجید علوی شوشتری

چاپ: اول ۱۳۸۹

تیراژ ۱۰۰۰

شابک: ۷-۳۰-۵۴۷۰-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۱۵۰۰۰ ریال

انتشارات معتبر اهواز چهارراه سلمان فارسی- اول شهید سراج

پلاک ۲۲ تلفن ۲۲۱۱۳۶۸ فاکس ۲۲۲۵۴۹۶- علوی شوشتری

پست الکترونی: moatabar_alavi@yahoo.com

فهرست

بخش نخست

۹	مقدمه: مانیفست یک دلک
۱۳	شعر اول: الازنگی
۱۹	شعر دوم: پلنگ صورتی
۲۲	شعر سوم: دختر دهاتی
۲۵	شعر چهارم: کودکان آبادان
۲۹	شعر پنجم: موعود
۳۱	شعر ششم: خانه‌ی روستایی
۳۳	شعر هفتم: کودک بیمارستان مرگ
۳۵	شعر هشتم: سارا
۳۶	شعر نهم: غزل مادر
۳۹	شعر دهم: خدا
۴۱	شعر یازدهم: سفره صبحانه
۴۲	شعر دوازدهم: شهید

- ۴۴ شعر سیزدهم: دختران دهکده
 ۴۵ شعر چهاردهم: بغض احساساتی
 ۴۶ شعر پانزدهم: تابلوی ظهر عاشورا
 ۴۹ شعر شانزدهم: شبیه خدا
 ۵۲ شعر هفدهم: قاشق
 ۵۵ شجدهم: سارای فارسی
 ۵۸ شعر نوزدهم: پای گم شده
 ۶۰ شعر بیستم: سگ
 ۶۲ شعر بیست و یک: زنی در کابوس‌های من
 ۶۴ شعر بیست و دو: شاعر
 ۶۶ شعر بیست و سه: مردی از نسل آب
 ۶۸ شعر بیست و چهار: هزاره سوم
 ۷۰ شعر بیست و پنج: زندگی
 ۷۲ شعر بیست و شش: یک خبر

۷۵

بخش دوم:

۷۵

مسافرت

و چون شعر بدین درجه نباشد تاثیر آنرا اثر نبود و پیش از
خداوندگار خود بمیرد

{نظامی عروضی: چهارمقاله}

اول به تکلف بنوشتیم کتبها

و آخر ز تحیر بشکستیم قلمها

{سنایی}

دلکها تنها روشنفکرانی هستند که احتیاجی به مانیفست
ندارند

{یک دلک که دوست ندارد هویتش فاش شود}

مقدمه: مانیفست یک دلک

من از بچگی علاقه‌ی شدیدی به دلک بودن داشتم و همیشه دوست داشتم توی سیرک‌ها کار کنم و برای مردم برنامه اجرا کنم.

هیچ وقت نمی‌دانم که چرا این ایده همیشه همراهم بوده و هست. چند سال پیش در یکی از شهرها در یک باغ وحش عده‌ای برنامه اجرا می‌کردند. شعبده‌بازی، دلک‌بازی، جوک، کار با حیوانات وحشی مثل مار خرس و ... پس از اجرای برنامه از یکی از آنها پرسیدم:

- چکار کنم که وارد کار شما شوم.

اما دیدم حرفم را جدی نگرفت و خیلی سرسری جوابم را داد باز این ایده رهایم نکرد. بعدها دوست داشتم کم‌کم سینما شوم، تمام زندگی‌ام شده بود فیلم‌های لورل و

هاردی، چارلی چاپلین، خواندن کتاب‌های طنز عزیز نسین،
مجله‌های گل آقا و ...

در هر حال انگیزه‌ی دلک بودن هنوز هم مرا رها
نکرده است. من دلک بودن را هنری مقدس می‌دانم چرا که
آنها دیگران را می‌خندانند آن هم در شرایطی که مشکلات آن
قدر زیادند که هیچ کس حوصله‌ی هیچ کاری را ندارد.
آنها چه زجری می‌کشند تا دیگران را بخندانند حتا از
زندگی خود مایه می‌گذارند

اگر چه دلک نشدم اما جدی بودنم نیز نوعی دلک
بازی است چرا که دارم نقش آدم‌های جدی را در می‌آورم
ولی هنوز به زندگی به صورت جدی عادت نکرده‌ام.
این شعرها هر کدام مرا به یاد چیزی می‌اندازد و هر
کدام در شرایط خاصی سروده شده‌اند. در عسلویه، اهواز،
بهبهان، محل کارها، سربازی و...
همه‌ی این شعرها خاطرات من هستند و خاطرات مرا
بیادم می‌آورند

این شعرها خاطرات یک دلک هستند که فرصت پیدا
نکرده استعداد خودش را آن طور که دوست داشت شکوفا کند.

هنوز هم امیدوارم روزی شعر و داستان را کنار
بگذارم و به حرفه‌ی مورد علاقه‌ام بپردازم

بدرود

شمس رضوی

خوزستان

ایذه

روستای کمالوند

اسفند ۸۷